پیامبر و همسران متعدد

پدید آورنده : اعظم نوری ، صفحه 2

خاتم پیامبران، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نمونه کاملی از عقل و کمال و فضیلت بود به طوری که خداوند، او را با آیه «و إنّک لعلی خُلقٍ عَظیم؛ به راستی که تو را خویی والاست»1؛ مورد ستایش قرار داده است. خُلق به معنای صفاتی است که از انسان جدا نمی شود و همچون خلقت و آفرینش او می گردد. تعدادی از مفسران، خُلق عظیم پیامبر را به صبر، گستردگی بذل و بخشش، رفق و مدارا با مردم، تحمل سختی ها در مسیر دعوت به سوی خدا و عفو و گذشت تفسیر کرده اند ولی خلق عظیمِ پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، منحصر به این موارد نبود. ارزش والای اخلاق کریمانه پیامبر، زمانی نمودِ بهتری پیدا می کند که به رفتار و اخلاقیات مردمِ عربِ جاهلی بنگریم. پیامبر گرامی اسلام در محیطی پرورش یافته بود که مردمان آن، غارتگری و جنگ را از افتخارات خود می شمردند و به آن مباهات می کردند. بسیاری از اشعار و داستان سرایی های به جا مانده از آن ها هم نشان از همین موضوع دارد. دختران را زنده به گور می کردند و در مقابل بت ها به عبادت می پرداختند. زن در میان آن ها همچون کالایی خرید و فروش می شد و از هرگونه حقوق فردی و اجتماعی حتی حق ارث محروم بود. روشنفکران عرب هم، زن را در گروه حیوانات قرار داده و از لوازم زندگی می شمردند.2

حضرت امیر (علیه السلام) در مورد فرهنگ حاکم در آن زمان می فرمایند:

«خداوند، پیامبر را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود مبعوث نمود و شما گروه عرب در بدترین آیین و بدترین مکان ها به سر می بردید. در میان سنگلاخ ها و مارهای کر اقامت داشتید. آب های لجن می خوردید و خون یکدیگر را می ریختید و از خویشاوندان دوری می کردید. بت ها میان شما سرپا بودند و از گناهان اجتناب نمی کردید».3 در چنین محیطی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با اخلاق و منش خاص خود در میان مردم عرب ظهور نمود و با حسن معاشرت و احترام به افراد جامعه آن روز، مورد توجه همگان قرار گرفت و به راستی و درستی شهرت یافت، چنان که بزرگ ترین دشمنانش هم او را امین می خواندند. پیامبر گرامی اسلام، در دوران بعثت هم مهم ترین هدف خود را احیای اخلاقیات انسانی و صفات پسندیده می دانست و بارها می فرمود: «إنی بعثتُ لاتمِّمَ مکارم الاخلاق».4

در این نوشتار، گوشه ای از روحیات و اخلاق کریمانه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در خانواده و معاشرت با همسر و فرزندانشان مورد بررسی قرار می گیرد. ولی در ابتدا برای آشنایی با زندگی خانوادگی پیامبر و دشواری های ایشان در محیط خانواده، به مسئله تعدد زوجات پیامبر اشاره می شود.

با مطالعه تاریخ و شرایط آن روز، روشن می شود که ازدواج های پیامبر، همه بنابر مصالح خاص صورت گرفته است و نشان دهنده فداکاری و از خود گذشتگی رسول خداست چرا که بدون شک زندگی با زنان متعدد که هر کدام از آن ها سلیقه ها و روحیات خاص خود را دارند، با وجود مشغله های فراوان در سال های آغازین حکومت اسلامی در مدینه و جنگ ها و مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی، کار آسانی نیست. ضمن این که حضرت، در دوران جوانی، با حضرت خدیجه (علیهاالسلام) که چهل سال سن داشت ازدواج کرد و سال ها همسر دیگری اختیار نکرد و ازدواج های آن حضرت در ده سال آخر زندگی بود و بیشتر همسران ایشان هم زنانی سال خورده و یتیم دار بودند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تنها برای سرپرستی آن ها و فرزندان یتیمشان با آن ها ازدواج می کرد. تعدادی از این ازدواج ها هم برای متمایل کردن قبایل مختلف به اسلام و کاهش کینه ها صورت می گرفت.5

اولین همسر حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) خدیجه (علیهاالسلام) است که از خاندان سرشناس و از بانوان ثروتمند و محترم مکه به شمار می رفت و به دلیل حسن شهرت و فضایل اخلاقیِ محمد امین (صلی الله علیه وآله)، به او پیشنهاد ازدواج داد و بعد از آن، خود، عامل مؤثری در پیشرفت اسلام شد و تمامی ثروت خود را برای گسترش اسلام و حمایت از مسلمانان مکه به کار برد. پیامبر اسلام نیز همواره او را احترام می کرد و از او قدردانی می نمود. این امر مختص به زمان حیات خدیجه نبود بلکه پس از مرگ او نیز، پیامبر(صلی الله علیه وآله)، همواره او را می ستود. نقل شده که روزی عایشه به پیامبر گفت: ای رسول خدا، چه قدر از خدیجه یاد می کنید؟ خدیجه پیرزنی بود و از دست شما رفت. خدا بهتر از خدیجه را به شما عنایت کرده است. رسول خدا برآشفته شد و فرمود او زمانی نبوت مرا تصدیق کرد که شما مرا تکذیب می کردید و او زمانی به من ایمان آورد که شما کافر بودید.6

سوده نیز یکی از همسران رسول خدا(صلی الله علیه وآله) است. همسرش پس از هجرت به حبشه درگذشت و او بی سرپرست و تنها ماند و برای زندگی و تأمین معاش خود مجبور بود از آیین اسلام دست بردارد و به خاندان بت پرست و مشرک خود بپیوندد. در این زمان، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) با هدف ترویج دین و قدردانی از خدمات یک مسلمان مهاجر و برای تقویت و دلداری مسلمانان مجاهد دیگر، بعد از وفات خدیجه کبری (علیهاالسلام)، با او ازدواج کرد. سوده دارای جمال و ثروتی نبود و پیامبر، تنها برای حمایت از وی، با او ازدواج کرد.7

زینب بنت الخزیمه نیز از اقوام رسول خدا بود که همسرش در جنگ بدر به شهادت رسیده بود. او نیز جمال و یا اموالی نداشت و در اواخر عمر بود که به همسری رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درآمد و پس از چندی نیز در گذشت.

ام سلمه نیز پس از درگذشت همسرش بر اثر مجروحیت در جنگ احد، و زمانی که زنی سالخورده بود، پیامبر از او خواستگاری نمود و مسئولیت او و فرزندان یتیمش را پذیرفت. ام سلمه بعد از حضرت خدیجه از با فضیلت ترین همسران رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بود.

ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش هم بنابر مصالحی صورت گرفت. او همسر زید غلام آزاد شده رسول خدا بود که پیامبر او را پسر خوانده خود نمود. در ابتدا پیامبر زینب را برای زید خواستگاری نمود و خانواده زینب به خاطر پیامبر این وصلت را پذیرفتند. این ازدواج، سرآغازی برای شکستن یکی از رسوم دوران جاهلیت عرب بود؛ زنی باشخصیت و سرشناس با برده ای ازدواج کرد؛ در زمانی که این امر مرسوم نبود. پس از مدتی بین زید و زینب اختلاف افتاد، کوشش پیامبر هم به ثمر نرسید و آن دو از هم جدا شدند. در این زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) به فرمان خداوند و برای شکستن رسم جاهلی دیگر یعنی ممنوعیت ازدواج با همسرِ پسرخوانده و نیز برای جبران شکستِ زینب در زندگی اش، با او ازدواج کرد.

یکی دیگر از ازدواج های رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که منافع زیادی به دنبال داشت، ازدواج با زن بیوه ای به نام جویر از قبیله بنی المصطلق بود. این قبیله به قصد شورش بر علیه پیامبر مشغول جمع آوری اسلحه بودند که مسلمین به سوی آن ها حرکت کردند. هنگامی که بنی المصطلق، خود را در محاصره دیدند تسلیم شدند و اموال و زنان و مردان قبیله به اسارت درآمدند. جویریه که دختر رئیس قبیله بود به نزد پیامبر آمد و آزادی خود را درخواست نمود. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) که در جنگ ها همیشه در مورد رعایت حال اسیران سفارش می کرد شخصاً پول آزادی او را پرداخت و او را از پدرش خواستگاری نمود. او با کمال میل و رغبت با این درخواست موافقت نمود و اسلام را پذیرفت. وقتی خبر این ازدواج به مسلمانان رسید همگی گفتند: که این اسیران خویشاوندان رسول خدا هستند و همه را آزاد نمودند. بعد از این ماجرا تعداد زیادی از آن قبیله به اسلام گراویدند و قسم یاد کردند که با تمام قوا در صف مسلمین بجنگند.8 به این ترتیب با این عمل رسول خدا از دشمنان اسلام کاسته شد و کینه قبیله بنی المصطلق (ناشی از اسارت و شکست در جنگ) فروکش کرد و بر تعداد مسلمین افزوده شد.

نمونه دیگر از ازدواج های پیامبر اسلام، ازدواج با ام حبیبه دختر ابوسفیان، دشمن سرسخت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بود. ام حبیبه با همسرش به حبشه مهاجرت کرده بود اما شوهرش در حبشه بر اثر تبلیغات مسیحیان از آیین اسلام برگشت و نصرانی شد و در همان جا نیز از دنیا رفت. مهاجرین حبشه هم از ترس پدر ام حبیبه جرأت نگهداری از او را نداشتند. در این هنگام پیامبر با او ازدواج کرد و علاوه بر قبول مسئولیت او، گامی برای رضایت و جلب قلوب بنی امیه به اسلام برداشت. نویسنده مسیحی، گیورگیو، در کتاب «محمد، پیامبری که از نو باید شناخت» در این مورد می نویسد: «محمد، ام حبیبه را به ازدواج خود درآورد تا بدین ترتیب داماد ابوسفیان یعنی دشمن اصلی خود شده و از دشمنی قریش نسبت به خود بکاهد. در نتیجه این وصلت، پیامبر اسلام با خاندان بنی امیه و هند همسر ابوسفیان و سایر دشمنان خونین خود جنبه فامیلی و خویشاوندی پیدا می کرد. ام حبیبه هم عاملی مؤثر برای تبلیغ اسلام در خانواده های مکه شد».9

این ها نمونه هایی از ازدواج های پیامبر خداست که ذکر شد. چنان که گفتیم پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) در حقیقت با این وصلت ها منافع زیادی را نصیب آیین نوپای اسلام کرد و از بیوه زنان و یتیمان بی سرپرست نگهداری نمود و آن چنان که بعضی از نویسندگان، این شخصیت والا را متهم کرده اند هرگز قصد کامجویی نداشته و تنها باری بر مسئولیت های فراوان خود اضافه کرده است چرا که همسران پیامبر، جز یکی از آن ها، قبل از ازدواج با پیامبر، یک یا چند بار ازدواج کرده بودند و فرزندانی داشتند. رسول گرامی اسلام اگر قصد کامجویی داشتند هرگز تا سن 53 سالگی فقط با یک همسر زندگی نمی کردند، آن هم در شرایط آن روز که برای مردان، هیچ محدودیتی در ازدواج وجود نداشت و هیچ کس ازدواج های متعدد را برای مردان نکوهیده نمی دانست. ازدواج های پیامبر به دلایلی مانند حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست، تقدیر از مجاهدان و مهاجرانی که در راه اسلام فداکاری هایی انجام داده بودند، ارتباط با قبایل مختلف و تحبیب قلوب آن ها برای گرایش به اسلام، جلوگیری از توطئه های احتمالی، مبارزه با خرافات و اباطیل عصر جاهلیت، آزادی اسرا و... صورت گرفت و زندگی با آن ها مشکلات زیادی را برای پیامبر به دنبال داشت. همان گونه که گفتیم همسران پیامبر روحیات متفاوتی داشتند و زندگی و مدارای پیامبر با آنان تا جایی بود که برای رضایت آن ها حلال خداوند را بر خود حرام می کرد و در برابر ناسازگاری ها و بهانه جویی های آن ها صبر می نمود تا آن جا که در مذمت آن ها آیاتی بر پیامبر نازل شد.

نمونه دوم این آیات، آیه های 28 و 29 سوره احزاب است. نقل شده زمانی که پیامبر در غزوه خیبر، بر یهودیان پیروز شد بعضی از همسران آن حضرت تصور کردند که چون پیامبر به گنجینه ها و اموال یهود دست یافته است، می توانند زندگی تجملی و اشرافی داشته باشند و پیامبر (صلی الله علیه وآله) را تحت فشار گذاشتند، در حالی که رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) آن غنائم را طبق دستور خداوند، میان مسلمانان تقسیم کرده بود. هنگامی که پیامبر اکرم با اعتراض همسران خود رو به رو شد از آنان کناره گیری کرد. آن گاه آیات سوره احزاب نازل شد و همسران پیامبر را بین زندگی فقیرانه پیامبر و سرای آخرت یا دنیا و زر و زیور آن مخیر ساخت ولی همه آن ها زندگی با پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) را انتخاب کردند و این امر ناشی از اخلاق حسنه پیامبر (صلی الله علیه وآله) و حسن معاشرت ایشان با آن ها بود.

با این که خداوند به آن حضرت این اجازه را داده بود که حق هر کدام از همسرانش را که می خواهد، مقدم بدارد و آن ها هیچ حق اعتراضی نداشته باشند،10 با این حال نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) در محیط خانواده هیچ ترجیحی بین آن ها قائل نمی شد و همواره عدالت و مساوات را رعایت می نمود و برای آسایش و رضایت آنان تلاش می کرد و در مورد کسانی که در خصوصِ آسایش خانواده خود کوتاهی می کردند می فرمود:

از رحمت خدا به دور است کسی که خانواده خود را ضایع کند و آن ها را به حال خود واگذارد.11

همسران رسول خدا با این که از نظر سن و سال، شرایط خانوادگی و اصل و نسب در یک سطح نبودند پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) مهریه آن ها را مساوی قرار داد و فرقی بین آن ها قائل نشد. به طور مساوی به آن ها رسیدگی می کرد و به حجره های آنان سر می زد و از آن ها احوال پرسی می کرد و همیشه پاره ای از وقتش را در اختیار خانواده و همسرانش قرار می داد. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: وقتی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به منزل وارد می شدند وقتشان را سه قسمت می کردند؛ یک قسمت برای عبادت و ستایش خداوند متعال، قسمتی برای گفتگو و نشستن با خانواده و یک قسمت هم برای خودشان».12

همه همسران حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) در یک منزل جای داشتند و با وجود این که رفتارهایی مانند رقابت و چشم و هم چشمی و... در بین زنان رایج است، همچنین با وجود فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه وآله) که ایجاب می کرد همیشه در میان همسرانش اختلاف و ناراحتی حکومت کند، هرگز در زندگی خانوادگی پیامبر شاهد ناسازگاری ها و خصومت های معمول نیستیم و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مانند شخصی فارغ البال به وظایف رسالت و رهبری خود در جامعه می پرداخت و به دور از خصومت های خانوادگی و مسائل مربوط به آن، به اداره جنگ ها و تبلیغ دین و رسیدگی به امور مسلمین مشغول بود.

اوقات رفت و آمد به حجره هر کدام از همسرانش منظم بود. حتی در ایام بیماریِ قبل از رحلت هم، با این که کسی چنین انتظاری نداشت، طبق برنامه معین به منازل همسرانش می رفت، تا زمانی که مرض ایشان شدت یافت و همگی اجازه دادند که در منزل عایشه بماند.13

با این که خشونت و بدرفتاری با زنان در عصر پیامبر(صلی الله علیه وآله) امر رایجی بود، حضرت همیشه از آن نهی می کرد و مسلمانان را در مورد همسر و خانواده شان سفارش می نمود و می فرمود: «بهترین شما، برترین شما نسبت به خانواده اش است و من نیز بهترین شما برای خانواده خود هستم».14

همسران پیامبر، شأن و مرتبه پیامبر را درک نمی کردند و گهگاه با بهانه جویی ها و آزار و اذیت پیامبر، موجب ناراحتی ایشان می شدند ولی ایشان هرگز خشونت اخلاقی از خود نشان نمی داد و همواره با آن ها با عطوفت و مهربانی و عدالت رفتار می کرد و بد زبانی شان را تحمل کرده، آن ها را مورد سرزنش قرار نمی داد. تنها یک بار برای تأدیب آن ها، از آنان کناره گیری کرد تا این که آیه تخییر نازل شد و همسران پیامبر را بین باقی ماندن بر همسری رسول خدا و زندگی ساده و بی پیرایه و همراه با قناعت ایشان و یا طلاق و به دست آوردن زندگی تجملی دنیا مخیر کرد و همه آن ها که شیفته اخلاق کریمانه رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) بودند زندگی با حضرت را انتخاب کردند و بر زندگی خویش باقی ماندند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بعد از فراغت از کارهای اجتماعی، همگام با همسران خود در کارهای خانه مشارکت می نمود و لباس های خود را وارسی می کرد، کفش خود را وصله می زد و گوسفندان را می دوشید.15

همان طور که می بینیم شخصیت بزرگی همچون رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بسیار متواضعانه و با گذشت و بردباری بر پایه رحمت و محبت در خانواده رفتار می کند و با وجود تفاوت های زیادی که بین آن زنان وجود دارد همه را راضی نگه می دارد و عادلانه رفتار می کند.

رسول خدا در رفتار با کودکان و فرزندان خود نیز بی نظیر بود و همیشه با مهربانی و عطوفت با آن ها برخورد می کرد. در زمانی که اعراب، دختران را زنده به گور می کردند، پیامبر دخترش فاطمه (علیهاالسلام) را بسیار تکریم می نمود. احترام پیامبر (صلی الله علیه وآله) به دخترش بیش از آن چیزی بود که مردم انتظار داشتند و بسیار بیشتر از احترام معمول پدران به دخترانشان بود. حضرت، امام حسن و امام حسین(علیهماالسلام) را بسیار دوست داشت. آن ها را روی زانوان خود می نشاند و به آن ها محبت می کرد. امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) در حال سجده بر گردن و پشت مبارک ایشان می نشستند و حضرت آن قدر سجده را طولانی می کرد که آن ها خود، پایین بیایند. روزی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) آن ها را روی زانوان خود نشانده بود و می بوسید. فردی گفت: من ده پسر دارم و تا به حال یک بار هم آن ها را نبوسیده ام. حضرت در پاسخ فرمود: کسی که دل رحم نیست خدا هرگز به او رحمت ندارد.16 این رفتار پیامبر با کودکان، مختص فرزندان خود نبود بلکه همه کودکان را دوست می داشت و برای آن ها احترام قائل بود و با کودکان رفتار کودکانه داشت و دست بر سر و صورتشان می کشید و به آن ها سلام می کرد.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) تأکید زیادی بر احترام به زنان و کودکان داشتند و می فرمودند: تکریم نمی کند زنان را مگر فرد کریم و کسی به آن ها اهانت روا نمی دارد مگر فرد فرومایه و پست.17 همچنین در مورد تکریم دختران و رفع تبعیض میان دختر و پسر می فرمودند: بهترین فرزندان شما دختران هستند.18

چنان که دیدیم سازگاری با همسر، محبت و مهربانی در خانواده و مهر ورزیدن به فرزندان، سنّتِ رسول خداست و این جا این سؤال پیش می آید که ما در الگوگیری و پیروی از سنت رسول خدا تا چه اندازه موفق بوده ایم؟ آیا پیروی از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) منحصر به اعمال عبادی است؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نمونه کامل انسانی با فضیلت است که در همه شئون زندگی می تواند الگو و سرمشق خوبی برای همه مسلمانان باشد. حتی اگر افراد جامعه امروز، تنها در بُعد خانوادگی، به سیره رسول خدا (صلی الله علیه وآله) عمل کنند و زندگی خود را بر پایه محبت و برخوردهای نیکو قرار دهند بسیاری از مشکلات آن ها به آسانی قابل رفع خواهد بود و کانون خانواده، محل آرامش و انس و الفت خواهد شد و این جاست که قرآن کریم می فرماید:

«از نشانه های او(خداوند متعال) این است که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت قرار داد».19

پی نوشت ها:

1ـ قلم /4.

2ـ فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ص 30.

3ـ نهج البلاغه.

4ـ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 187.

5ـ تربیت نبوی، ذبیح الله اسماعیلی، ص 53.

6ـ بحارالانوار، ج 16، ص 8 .

7ـ همسران رسول خدا، عقیقی بخشایشی، ص 20 و 21.

8ـ همان، ص 60-59.

9ـ همان، ص 64-63.

10ـ احزاب / 51.

11ـ وسایل الشیعه، باب العفو عن الزوجه.

12ـ المیزان، ج 6، ص 304.

13ـ همسران رسول خدا، ص 109.

14ـ نهج الفصاحه، ص 152.

15ـ مکارم الاخلاق، ج 1، ص 15.

16ـ همان، ص 220.

17ـ نهج الفصاحه، ص 318.

18ـ بحارالانوار، ج 104، ص 91.

19ـ سوره روم/ 21.